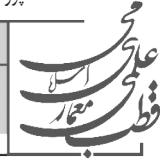


تفسیر معماری خانه‌های درونگرای ایرانی بر مبنای منظر ذهنی در روایت زندگی (با تأکید بر رستاخیز خاطره و تئوری موبیوس)



مریم اکبری *

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رضا بهبهانی **

استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

هما ایرانی بهبهانی ***

استاد تمام گروه مهندسی طراحی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۱۱

چکیده

خوانش روایت زندگی با تأکید بر رستاخیز خاطره، روشی برای شناخت معماری گذشته از منظر ذهن می‌باشد. در این پژوهش معماری خانه‌های درونگرای ایرانی با انطباق طرح ذهنیت و تئوری موبیوس تفسیر شده است. ماهیت نوار موبیوس در داشتن لایه‌هایی است که همچون لایه‌های ذهن به هم پیوسته بوده و به صورت هم‌زمان مسیر درون و برون را طی می‌کنند. پرسش اصلی پژوهش، بر چسبتهی ذات و درون وجودی بنا و چگونگی تفسیر معماری بر مبنای طرح ذهنیت تأکید دارد. هدف از ارائه روش‌شناسی شناخت ذات معماری خانه، رودررو شدن با عمیق‌ترین لایه‌های وجود است. راهبرد کیفی این پژوهش، به روش اکتشافی-تفسیری، در پی «واقعیت‌بینایی» در فضای تهی خانه و نقش آن در برانگیختن لایه‌های پنهان ذهن بوده و با خوانش روایت زندگی به تفسیر نوع نگاه درون و برون می‌پردازد. بهره‌گیری از روش تفسیر کیفی روایت، با اتکا به چشم‌اندازهای پدیدارشناسانه و تجربه زیسته به تفسیر معنای معماری با درون‌مایه حس مکان پرداخته است. این شیوه تفسیر به جای روابط فیزیکی، بر ساختار زندگی در معماری تأکید داشته و موضوع ذهنیت را مبنای شناخت قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش ارائه‌دهنده روشی برای تفسیر معماری خانه‌های درونگرا از منظر ذهن بوده، که در آن، شناخت با گذار از مسیری رخ می‌دهد که چون پدیده موبیوس از درون خویشتن عبور می‌کند. بر مبنای این روش، تفسیر منظر ذهن و ساختار زندگی در معماری از طریق «معرفت‌شناسی مفهوم خانه»، «کشف احوال درونی ساکنین» و «گذار به مرتبه دیگر هستی» ممکن می‌شود. نهایت این مسیر جایی است که در آن فرد به معرفت دنیای درون یا «پدیدار آئینه» دست‌یابد. هدایت مسیر ذهنیت از درون به درون، منجر به بالا بردن توان انسان در امر شناخت پدیده‌ها، واژگونی چشم‌اندازها و نگاه به جهان از منظر وجودی دنیای درون و بازگشت به ریشه‌های خویشتن خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: خانه، منظر ذهن، روایت زندگی، موبیوس، درون و برون.



مقدمه

نخستین هدف معماری آشکارگی عالم است. آثار معماری، با تکیه زدن بر بستر زمین و قیام کردن به‌سوی آسمان شرایطی را فراهم می‌آورد تا چیزهای دیگر، در پیوستن به‌هم، به دیده آیند (شولتز ۱۳۸۲، ۱۲). اما بی‌توجهی معماری جدید به سر برآوردن فضاهای نهفته ذهنی، باعث گردیده که فرد در جستجوی فضاهای گمشده به هر سو سر کشد. تا اینکه «تکه‌پاره‌های زنده زمان‌های در خاک فروخته» را بازیابد (شایگان ۱۳۷۲). با بازشناسی مفهوم وجودی سکونت و دستیابی به ساختار زندگی گذشته انسان‌ها از طریق «بازگشت به خود چیزها» و «فهمیدن معنای اصیل آنها»^۱ می‌توان به روشی برای فهم معنای معماری و بازتاب آن در نوع نگاه و منظر درونی ذهن دست‌یافت؛ و در جستجوی عواملی بود که سبب شود در مواجهه با فضای معماری چیزی در ذهن نقش ببندد. «خاطرات از عوامل مؤثر در شکل‌گیری منظر ذهنی افراد می‌باشد که در طول تاریخ با زندگی مردم پیوند یافته و در ذهن باقی می‌ماند» (سرمدی، شاهچراغی و کریمی‌فرد ۱۳۹۹).

این پژوهش در پی ارائه روشی برای شناخت و تفسیر فضای معماری از منظر ذهن، به خوانش خاطرات در خانه‌های درونگرای ایرانی می‌پردازد. در این روش، معماری خانه‌ها با تأکید بر تجربه زیسته فضا از منظر ساکنین و یا میهمانان، با خوانش بینامتنی روایات زندگی تفسیر می‌شود. ارتباط مفهوم فلسفی خانه^۲ با تئوری مویوس در لایه‌های ریزوم‌وار^۳ ذهن، معرف منظر ذهنی ایجادشده در معماری این‌گونه بناهاست. پرسش اصلی پژوهش، در پی چستی ذات و درون وجودی ساختار زندگی در بناها، به چگونگی تفسیر معماری بر مبنای طرح ذهنیت تأکید دارد. هدف از دستیابی به روشی برای تفسیر ذهنی معماری، شناخت لایه‌های درونی ذهن، رو در رو شدن با عمیق‌ترین لایه‌های وجود، و فراگیری دوباره زبان از یادرفته معماری است.

مفهوم خانه به‌عنوان «نقطه آغاز حرکت برای تصاحب دنیا» (رلف ۱۳۸۹، ۵۴)^۴ در مرکز عمیق وجود با پدیده مویوس قابل تأویل است. «خانه باید در آن واحد هم پناهگاه باشد و هم گشوده بر دنیا» (شولتز ۱۳۹۵، ۱۶۸). هنگامی که زندگی در عرصه درون خانه به جریان می‌افتد؛ ذهن در پی کشف معنا، از مرکز امن خانه به جهان پیرامون نگرسته، و با گذار از درون به برون، پس

از دوری کامل، به نقطه آغاز حرکت، همان خانه خویشتن بازمی‌گردد و همچون سطح مویوس با قابلیت لایه‌لایه شدن، در حین انسجام در فضا، بعد می‌یابد. سپس بعد چهارم -زمان- را در لایه‌های درونی خود به جریان انداخته و «رستاخیز خاطره»^۵ متجلی می‌شود. مراد از رستاخیز خاطره جستجوی خاطرات غیرارادی است که در ناخودآگاه ذهن وجود داشته و با تجربه فضای معماری به نگاه ظهور می‌کند. «رستاخیز خاطره به گذشته از یاد رفته جان می‌دمد. این گذشته حاوی جوهری است که دهنه آینده را غنا می‌بخشد» (شایگان ۱۳۹۷، ۱۵۱) و ذهن را به جستجوی راز پنهان فضا در مسیر مکاشفه معنی هدایت می‌کند.

عرصه خانه مکانی است که شکل‌گیری اولیه طرح ذهنیت و خاطرات ناخودآگاه فرد از زمان کودکی در آن ریشه یافته است. اما در وضع فعلی ما خانه‌ها هویتی جز پوچی ندارند. معماری امروز به «هویت چهل‌تکه» و لجام گسیخته‌ای دچار شده که دیگر معماری فضایی زنده برای زندگی نیست. بحران گسستگی میان انسان معاصر و فضای ساخته‌شده، ضرورت شناخت معماری گذشته از منظر ذهن را معین ساخته است؛ که این پژوهش با خوانش روایت زندگی در جستجوی مسیری برای انتقال تجربه و ایجاد پیوستگی میان این عوامل می‌باشد.

پژوهش حاضر با خوانش میانمندی خاطرات با بهره‌گیری از دانش روایت‌شناسی، به مکاشفه ذهنیت و احوال درونی افرادی می‌پردازد که سابقه حضور در خانه‌های درونگرای ایرانی را داشته و کیفیت ساختار زندگی در معماری این خانه‌ها را تجربه نموده‌اند. همچنین با ارائه روش‌شناسی پیشنهادی تفسیر ذهنی معماری، به جستجوی مسیری برای شناخت ذات پدیده‌ها می‌پردازد. جهت افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌های تحلیلی علاوه بر خوانش کتب زندگی‌نامه، با انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته، به تحلیل روابط درونی لایه‌های ذهن مخاطب اثر معماری پرداخته و برای انسجام و توالی لایه‌ها این روابط در مسیری مویوس‌وار و در قالب مدلی پیشنهادی، به عنوان روشی جامع برای شناخت و تفسیر ذهنی معماری ارائه می‌شود. تا با خوانش کیفیت معماری گذشته به روش‌شناسی پژوهش‌های معماری سمت و سویی پیش‌نگرانه بخشد.



پیشینه پژوهش

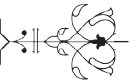
«خوانش یک بنا، فرآیندی دشوار و پیچیده است که از یک مسیر مستقیم و راست پیروی نمی‌کند.»^۶ در این فرایند، علاوه بر درگیر شدن با بنا، می‌بایست با پرداختن و اندیشیدن به معماری، برنامه و پیش‌نویسی برای درک هدف، معنا و منظور طرح معماری بنا نگاشته شود. این امر با شناخت و تفسیر معماری از منظر ذهن میسر خواهد شد. «می‌برآگدون» در رساله خود (۱۳۸۹)^۷، اشاره به این موضوع دارد که خوانش متن معماری تعیین‌کننده موجودیت معماری است که با تأکید به حضور ناظر در متن فضا صورت می‌گیرد. در این میان مفهوم سکونت از موضوعاتی است که قابلیت هم‌آوایی فضاهای ذهن با عرصه‌های درونی خانه را داشته؛ و برای طرح مسئله ذهنیت در پژوهش‌های معماری موضوعی پر اهمیت است. کتاب «تحلیل آثار و دیدگاه‌های فلسفی لویی کان»، به تعریف تازه‌ای از هستی‌انسانی و مکان خود پرداخته که این تعریف با آگاهی نسبت به فضاهای خانه از طریق راه یافتن به درون آنها صورت می‌گیرد (جورگولا ۱۳۷۷، ۳۸). «کلر کوپرمارکوس»^۸ در کتابی با عنوان «خانه، آینه‌ای از خویشتن»^۹، و مقاله‌ای با عنوان «خانه نمادی از خویشتن»^{۱۰} با رویکرد تفسیرگرا، موفق به یافتن راهی شد که به واسطه‌ی آن، واقعیت‌های پیش دانسته در خصوص «رابطه پویا میان خانه و خویشتن» آشکار گردد. «دیباج» (۱۳۸۲)، در «کتاب خانه موروثی من»، با توصیف صورت‌های مکانی خانه، این فضاها را ظرف‌هایی برای تعیین خاطرات معرفی نموده و در کتاب «شعر و خانه ما» - که پژوهشی است با هدف مطالعه و توصیف مفهوم خانه و عمارت نو و کهنه - به جستجو و بازسازی شعور تاریخی معماری با توسل به یافته‌های ادب ایران زمین از مکان‌های معماری پرداخته است. همچنین «طاهری» (۱۳۹۲) در مقاله «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، با پرده‌برداری از سرشت مفهوم سکونت نفس انسان به بازاندیشی وادی از یاد رفته خیال در معماری می‌پردازد.

در پژوهش حاضر واکاوی لایه‌های درونی ذهن در فضاهایی که محور اصلی آنها سکونت و زندگی است، با خوانش روایات با رویکرد شرح‌حال‌نگارانه صورت می‌گیرد؛ که از منظر شخصی افراد در بستر زیستی، به توصیف خاطره مکان‌های خانه پرداخته‌اند. رویکرد شرح‌حال‌نگارانه به تعبیر «بوگدان»^{۱۱} (۱۳۵۳) اجازه می‌دهد که فرد در

متن زندگی خویش مورد توجه قرار گیرد. به عقیده «کافمن»^{۱۲} (۱۳۷۳) روایت زندگی علاوه بر تجارب زندگی بر اساس زمینه اجتماعی و متن فرهنگی در بستر زیستی ساخته می‌شود. به عبارتی تفسیر معماری با خوانش روایت، تلاشی برای تجدید حیات معنای زندگی می‌باشد (ذکایی ۱۳۸۷). در نظریه «مک‌آدامز»^{۱۳}، روایت زندگی «حاوی جزئیاتی در باب دوره‌های زندگی افراد و معنایی است که این تجربیات برای آنها داشته است» (مک‌آدامز ۱۳۸۲). این رویکردی است که روایت کردن تجربه شخصی در طول زندگی می‌تواند همچون زندگی‌نامه‌ای به ساخت و تولید معنای زندگی فردی اختصاص یابد. چنین معناسازی‌هایی که برگرفته از ریشه‌های فرهنگی فرد بوده اما بهره‌نهایی آن در منظر درونی ذهن هر فرد پیکربندی می‌شود (نجیب‌زاده و اسکندری ۱۳۹۶). مک‌آدامز بر بعد شخصیت‌شناسی روایت زندگی تأکید داشته و تحلیل پژوهش را با کمی‌سازی داده‌های کیفی به انجام می‌رساند؛ اما از آنجایی که پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دانش روایت‌شناسی، در پی چستی ذات پدیده‌ها در معماری خانه بوده و «تفکر تصویری و مواجهه علمی و کمی آثار معماری فرد را به درک درستی از چستی معماری نمی‌رساند» (امامی‌کوپانی، برازجانی و صافیان ۱۳۹۷) لذا بحث کمی‌سازی در تفکر پدیدارشناسانه این پژوهش جایگاهی ندارد؛ و مفهوم وجود و لایه‌های درونی ذهن معیاری برای تفسیر کیفی داده‌های کیفی خواهد بود. بر این اساس خاطرات زندگی با تأکید بر نسبت روایت و معماری بررسی می‌شود.

این مقاله علاوه بر تحلیل همگرایی پژوهش‌های مرتبط با طرح ذهنیت در معماری، رویکرد متمایزی را برای تفسیر ذهنی معماری ارائه نموده، که در آن با خوانش بینامتنی روایات زندگی به ارائه مسیری برای دستیابی به مؤلفه‌های بیدارگر ذهن در تجربه پدیده‌ها و ساختار زندگی در معماری خانه‌های درونگرای ایرانی بپردازد. منظور از مؤلفه‌های بیدارگر ذهن، موضوعاتی است که «از دیدگاه پدیدارشناسانی چون، هوسرل، هایدگر و گاسلون باشلار با اتکا تجربه به ادراکات حسی، خاطره، حافظه، تخیل و ناخودآگاه به هشیاری ذهن در شناخت پدیده‌ها کمک نموده» (پالاسما ۱۳۸۸، ۸) و در تفسیر معماری از منظر ذهن در این پژوهش به صورت خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. شایگان (۱۳۹۶) از فلاسفه معاصر ضمن بیان ارتباط تئوری مویوس با لایه‌های ریزوم‌وار ذهن با استناد به موضوع

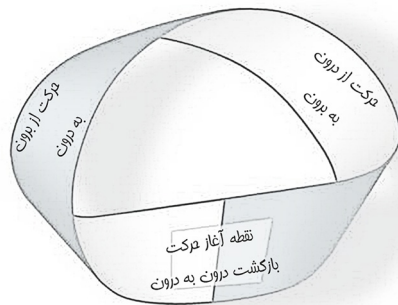




۱۳۸۲، ۳۶؛ تولى ۱۹، ۱۳۹۱، ۸). این تغییر از یک حالت به حالت دیگر با تئوری موبیوس منطبق است. هر روایت زنجیره حوادث در روال مناسبات علت و معلولی در زمان و مکان است. همچنین ساختار هر روایت دارای آغاز و پایانی است. اما در شماری از روایت‌ها پایان در روایت بی‌اهمیت شده و مسئله تکرار مطرح می‌گردد. گویی روایت بی‌نهایت پیش می‌رود و هرگز به پایان نمی‌رسد (احمدی ۱۳۷۵، ۲۳۹). این شیوه ارتباط آغاز و پایان، ایجاد گر منش بسته و ناتمامی در ساختار روایت بوده و به قول موريس بلانشو^{۲۰} «موضوع در دوران سرگیجه‌آوری پرتاب می‌شود» (ژنت^{۲۱}، ۱۳۴۵، ۶۳). منش ناتمام و طرح دوار روایت در شماری از کتب خاطرات قابل بازشناسی است. آنجا که راوی در زمان حال بخشی از خاطرات گذشته خود را به تصویر کشیده و در پایان ناتمام آن، بازگشت به جریان زندگی است. این امر نیز منطبق بر جریانی است که در ماهیت موبیوس رخ می‌دهد. اینجاست که مخاطب می‌تواند ضمن حفظ نقش خوانندگی، خالق روایت نیز باشد.

• تئوری موبیوس و خانه

خاصیت موبیوس، درواقع معرف یک نقطه تبدیل و چرخش است؛ که کمابیش توانسته است بر فراز شکاف حاصل از «ثنویت دکارتی»^{۲۲} پلی بزند. اکنون چرخش از درون به بیرون، از اینجا به آنجا، از ذهنی به عینی تا حدی متقابل و دوسویه شده است. این چرخش‌ها در زمان و مکان نیز متجلی می‌شوند و با فعال کردن همه حواس و ترکیب آنها، فرد را در میان موجی از اطلاعات هم‌زمان قرار می‌دهد (شایگان ۱۳۹۶، ۳۵۲). شکل ۱ نمایشی از گذار میان درون و بیرون در نوار موبیوس است.



شکل ۱. نمایش گذار درون و بیرون در نوار موبیوس (مأخذ: نگارندگان)

پدیدارآیین^{۱۴} در فلسفه سهروردی، بیداری ذهن و شناخت جهان را با مکاشفه دنیای درون همراستا می‌داند. به تعبیر وی تئوری موبیوس فرد را با شیوه‌های سلبی شناخت آشنا می‌کند. بنابراین می‌تواند محوریت مناسبی را برای شناخت ماهیت فضاهاى معماری ارائه نماید؛ که در این پژوهش مبنای تفسیر قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

• تئوری موبیوس

نوار موبیوس، از شگفتی‌های جهان ریاضیات که با طبیعت ملموس همخوانی دارد؛ یک نوار بلند و مستطیل شکل است که از پیچیده شدن و اتصال دو سر آن به دست می‌آید. در صورت اقدام به چپین کاری، آغاز و انجام نوار یکی خواهد شد، لذا حرکت روی آن تا بی‌نهایت بار تکرار و تسلسل می‌یابد (پناهی ۱۳۹۷، ۴۹۸). در تعابیر فلسفی داریوش شایگان، خاصیت موبیوس با ماهیت وجودی جهان و قرارگیری در دو مسیر موازی شبیه‌سازی شده است. این خاصیت در دو جهان مجازی و عالم مثال تمام و کمال عمل می‌کند؛ زیرا هر دو جهان، شیوه تبدیل یک حالت به حالت دیگرند. یکی علی‌رغم آنکه زمان و مکان را در زمان واقعی در هم می‌فشد؛ در سطح افقی یعنی محسوسات باقی می‌ماند؛ درحالی که دیگری حلقه انتقالی است برای دستیابی به سطوح عالی‌تر مشاهده و بصیرت (شایگان ۱۳۹۶، ۳۴۴). بر این مبنای شناخت نسبت طرح ذهنیت در معماری و دانش روایت‌شناسی با انطباق منش بسته ساختار روایت بر خاصیت بارز موبیوس که چرخه تبدیل درون و بیرون است و بی‌نهایت بار تکرار می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرد.

• ماهیت موبیوس در دانش روایت‌شناسی

توجه به لایه‌های درونی و زیرساخت‌های متن از مسائلی است که در دانش روایت‌شناسی مورد اهمیت قرار گرفته و راهکاری برای تولید معنا می‌باشد (احمدی ۱۳۷۵، ۲۵۰). در این دانش، شکل‌گیری روایت مبتنی بر سه‌گانه رویداد، راوی و مخاطب تعریف می‌گردد. در نظریه کلاسیک روایت، نقش راوی پررنگ شده و ذات روایت در بازتاب واقعیت «از دید راوی» معنا می‌یابد (اشمیت^{۱۵}، ۱۳۸۹، ۲). در مقابل نظریه کلاسیک، نظریه ساختارگرایانه^{۱۶} قرار دارد که تعریف روایت را نه بر حضور راوی، بلکه بر ویژگی‌های خاصی از آنچه روایت می‌شود؛ بنیان می‌نهد و آن توالی رویدادها و تغییر حالت یا وضعیت است^{۱۷} (کینت و مولر^{۱۸}





علاوه بر خوانش خاطرات مکتوب در وصف خانه‌های دوره قاجار تا اواسط پهلوی، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با ساکنین خانه‌های درون‌گرای ایرانی انجام شد. تا با تحلیل همراستای روایات در زمان گذشته با رستاخیز خاطرات در زمان حال بتوان به اعتبار یافته‌های تحلیلی پژوهش افزود. در تفسیر معماری خانه از منظر ذهن با تأکید بر روش تفسیر کیفی روایت به‌جای روابط فیزیکی، ساختار زندگی و موضوع ذهنیت مبنایی برای شناخت قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر به‌صورت خاص ارتباط منظر ذهنی فرد، عرصه درونی خانه و بستر زندگی را مورد بررسی قرار داده و ضمن بیان مبانی نظری مرتبط با تئوری مویوس و دانش روایت‌شناسی، بر خاطرات غیر ارادی در فضای معماری تأکید دارد. تحلیل به‌گونه‌ی معناشناسیک^{۲۵} انجام می‌گیرد که با کشف امکانات درونی متن، به شناخت معماری خانه در میان لایه‌های به‌هم‌پیوسته فضای ذهن می‌پردازد. به اعتبار این شیوه تحلیل، جهت تکمیل بحث در این مقاله لایه‌های پنهان ذهن بر سطحی مویوس‌وار منطبق شده و بسط این لایه‌های جدایی‌ناپذیر که با حرکت در مسیری درونی و بی‌انتها صورت می‌گیرد، ارائه‌دهنده روشی برای تفسیر فضای معماری با بهره‌گیری از دانش روایت‌شناسی خواهد بود.

خوانش طرح ذهنیت در روایات زندگی خانه‌های درون‌گرای ایرانی

نگاهی به مفهوم روایت و رابطه آن با زندگی، بستری را برای طرح نسبت روایت و معماری ایجاد می‌کند. چرا که معماری نیز در تعاریف مختلف خود با زندگی انسان پیوند خورده است (ندیمی، شریف‌زاده و طباطبایی لطفی ۱۳۹۸). از منظر ذهن، روایت، بازگویی رویدادها، رابطه‌ها و رفتار شخصیت‌های واقعی است که از سازماندهی خاطرات و احساسات بر اساس یک جهت نشأت گرفته، این جهت برگرفته از نیاز طبیعی انسان به معنا بخشی به زندگی بوده و بر قابلیت ذهن استوار است (ریکور^{۲۶} ۱۳۶۳). تأکید بر نقش مخاطب و دریافت او از موضوع از وجوه غالب در تفسیر روایت بوده و این که هر کس حوادث را از دریچه ذهن خود می‌فهمد (شیرازی ۱۳۸۸، ۱۶۸).

در خوانش روایات زندگی روابط عینی و ساختار فیزیکی فضای معماری، مکمل و یا هم‌تراز میراث برجای مانده از بناهای تاریخی است. اما جنبه‌های ذهنی فضا با

«تنش میان بیرون و درون» مبادله خیره‌کننده‌ای است در معماری؛ که قطعه کوچکی از دنیا را برمی‌دارد و یک جعبه کوچک در آن می‌سازد و ناگهان، فضای درون و بیرون شکل می‌گیرد (تسومتور ۱۳۹۴، ۹۹). آدمی تنها زمانی واقعا می‌تواند بگوید «ساکن شده» که، آنچه در درون و در بیرون است را معنا کند. از طریق این پیوستگی تجربه‌ها و خاطره‌های انسان جای خود را یافته و در درون فضا بیانگر «درون» شخصیت او می‌شود (شولتز ۱۳۹۷، ۳۰). بحثی که در این پژوهش به‌صورت ویژه مورد اهمیت است مسئله درون و بیرون در تجربه معماری خانه است. ذات و جوهره فضای خانه نه‌تنها در حصار مصالح و فرم‌های هندسی، بلکه در فضای بینابین لایه‌های ذهن پنهان شده است. «جهان خانه متفاوت از جهان بیرون است. خانه دورنمای مسکون را در دسترس آدمی نهاده و گهواره‌ای می‌شود که بتوان از آن گشت‌وگذار دیگری را آغاز کرد» (شولتز ۱۳۹۵، ۱۶۸). این گذار ایجادگر «حرکت مضاعف رفت و برگشتی بوده، که فضا را به دو قلمرو متحدالمرکز درون و بیرون تقسیم می‌کند: بخش تنگ‌تر داخلی قلمرو خانه و میهن است و آدمی از آنجا به‌سوی بخش گسترده‌تر قلمروی بیرونی که از آن همواره بازمی‌گردد، به‌پیش می‌رود» (بولتو^{۲۳} ۱۳۴۲، ۸۱).

روش تحقیق

در این پژوهش تفسیر فضای ذهنی معماری با خوانش روایت زندگی در خانه‌های درون‌گرای ایرانی صورت گرفته است. راهبرد کیفی پژوهش مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی و هم‌فراخوانی ذهن و عین، به کشف شیوه‌های اندیشه در عرصه معرفت بشری می‌پردازد. بر این مینا با روش اکتشافی - تفسیری، در پی «واقعیت بینابین»^{۲۴} در فضای تهی خانه و نقش آن در برانگیختن لایه‌های پنهان ذهن است. همچنین با بهره‌گیری از روش تفسیر کیفی روایت با رویکرد شرح‌حال نگارانه، به تحلیل خاطرات زندگی، با اتکا به چشم‌اندازهای پدیدارشناسانه و تجربه زیسته افراد در متن فرهنگ و بستر زیستی، به‌عنوان یک روش‌شناسی شناخت و تفسیر معنای فضای معماری با درونمایه حس مکان پرداخته است. بدین‌منظور کتب زندگی‌نامه و سفرنامه افرادی که با اشراف به حوزه معماری و جامعه‌شناسی به توصیف تجربه شخصی خود از حضور در خانه‌های درون‌گرای ایرانی پرداخته‌اند مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت تعمیم و اطمینان‌پذیری یافته‌ها





نوبت به خاطره می‌رسد که حفظ می‌کند. ولی نه هر نوع خاطره‌ای. خاطره‌ارادی، از جوهر گذشته چیزی در خود ندارد» (شایگان ۱۳۹۷، ۱۰۷). اگر بتوان در دریافت‌های حسی به خاطرات، احساس زمان حال را تزریق نمود، بلافاصله همچون مرده‌ای زنده شده و جان می‌گیرند. دستیابی به این امر در شیوه طرح دوار در منش بسته و ناتمام ساختار روایات زندگی، نیازمند تفکیک لایه‌های درونی ذهن بوده و در کلیتی منطبق با تئوری مویوس که به صورت هم‌زمان مسیر درون و برون را طی می‌کند؛ قابل تفسیر است.

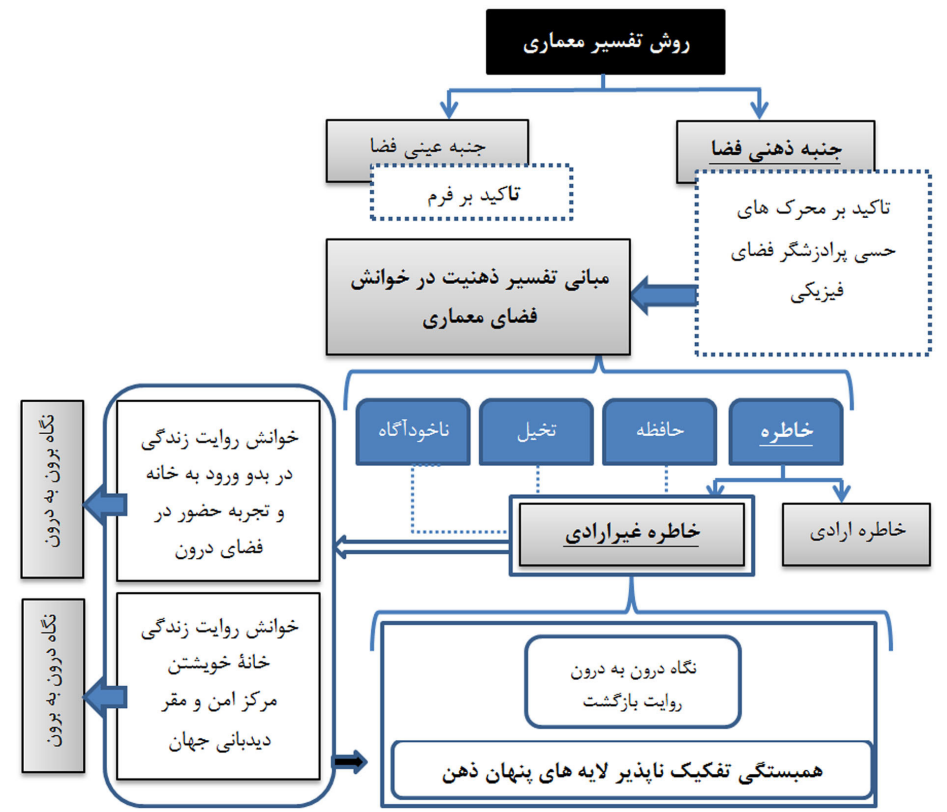
شکل ۲، نمایشی از جهت‌گیری اصلی مسیر این پژوهش بوده؛ و معرف فاکتورها مورد اهمیت در خوانش اثر معماری است. در این بین تفسیر جنبه‌های ذهنی معماری بر مبنای مؤلفه‌های خاطره، حافظه، تخیل و ناخودآگاه، که از دیدگاه پدیدارشناسان^{۳۹} به آشکارگی لایه‌های پنهان ذهن کمک می‌کنند؛ صورت پذیرفته و بر خاطره غیرارادی تأکید دارد. این روش که به نگاه درون به درون ختم می‌شود نمایشی از چگونگی همبستگی تفکیک‌ناپذیر لایه‌های ذهن در تفسیر ساختار زندگی در معماری می‌باشد.

تجربه حضور در خانه‌ها و رستاخیز خاطرات قابل بازیابی می‌باشد. خاطرات، روایت حقایق از منظر ذهن راوی است. خاطره در روایات در لایه‌های متفاوتی قابل جستجوست؛ خاطره‌ارادی، خاطره غیر ارادی و شهادت‌های برگرفته از خاطرات دیگران. اما آنچه این پژوهش بر آن تأکید دارد، خاطره‌ای نیست که آگاهانه در ذهن یادآوری شده باشد. زیرا «تنها از طریق رستاخیز خاطره غیر ارادی می‌توان گذشته سپری شده را با زمان حال فراخواند و احیا کرد» (شایگان ۱۳۹۷، ۹۷).^{۳۷} خوانش خاطرات با درک زمان حال و ارتباط آن با گذشته مسیری است که برای شناخت معنا می‌توان پیش گرفت.^{۳۸}

روشن‌شناسی پیشنهادی شناخت معماری بر مبنای طرح ذهنیت

«یگانه طریقی که هنرمند به واسطه آن می‌تواند دنیا را به تماشاگر بنماید، فرورفتن در «من» عمیق خود است. آنچه اهمیت دارد؛ نه دنیای کاذب بیرون، که دنیای مکشوف در خاطرات است. در مسیر بازآفرینی تأثرات توسط خاطره، اولین درون‌مایه، زمان است که تخریب می‌کند؛ بعد





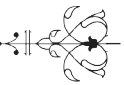
شکل ۲. روش تفسیر معماری گذشته بر مبنای طرح ذهنیت در روایات (مأخذ: نگارندگان)

غیرارادی از میان روایات زندگی خانه‌های درون‌نگرای ایرانی پرداخته که در آن ارتباط نگاه درون و بیرون و هدایت مسیر ذهنیت از درون به درون به تفکیک بیان می‌شود. این روایات برگرفته از خاطرات افراد با ریشه‌های فرهنگی متفاوت بوده که به بازتعریف خانه‌های درون‌نگرای ایرانی پرداخته‌اند. در میان متن بخش‌های نقل شده روایات، منظر ذهنی و نوع نگاه درونی روایتگر به ساختار این خانه‌ها آورده شده است.

بررسی تحلیلی یافته‌های پژوهش

به‌منظور بازخوانی و شناخت شیوه‌های زندگی در عرصه خانه‌های درون‌نگرای ایرانی، باید به عمق لایه‌های پنهان ذهن ساکنین این خانه‌ها دست یافت. در این راستا پیش از انجام مصاحبه‌های عمیق با افرادی که سابقه سکونت در این خانه‌ها را دارند؛ با مطالعه میانمتنی کتب سفرنامه و زندگی‌نامه، از منظر روایت‌شناسی به ارتباط فضای ذهنی روایتگر به‌عنوان خواننده اثر معماری در زمان حیات اثر پرداخته شده است. جداول ۱ و ۲ به برشماری خاطرات





جدول ۱. منظر درون و برون در متن زندگی خانه‌های درونگرای ایرانی (مأخذ: نگارندگان)

منظر ذهنی روایتگر در متن روایت	مشخصات روایتگر	نوع نگاه	منظرگاه روایت زندگی
<p>بدو ورود، برخورد با نظام توده و پیوستگی در بافت مسکونی خانه‌های درونگرا؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ تجانس، پیوستگی و تداوم بام‌ها ▪ زمینی مصنوعی در ارتفاع طبقه دوم - همراه با گودی‌ها و برآمدگی‌ها 	<p>استیرلن ۱۳۷۷</p>	نگاه برون به درون	روایت زندگی در بدو ورود به خانه خانه همسایه
<p>بدو ورود به حریم خانه؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • «از بیرونی راه به حرم - حد و مرزی برای قسمت سکونت بانوان - پیش از ورود خواجگان با صوت بلند بسم ا. می‌گویند.» 	<p>پولاک ۱۳۶۸</p>		
<p>خاطره ورود به درون حیاط مرکزی خانه وزیر در شیراز؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ فضای حیاط درونی پر از ماجرا و شور، پس از ورود و آرام گشتن میهمان ▪ برخاستن نوای موسیقی ایرانی ▪ پرش بندبازی که بندش را در میان حیاط به جایی استوار ساخته و... <p>خاطره طعم سکونت در خانه ایرانی در پس عبور از ستیغ‌های برف‌پوش کوهستان؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «از سرما در دردمسر افتادیم و دلمان می‌خواست شب به اردوگاه برسیم. ... ▪ به جای خانه کردن در حجره کاروانسرای ویرانه، در -خانه‌ای- که در آسودگی و ظرافت و خوش سلیقه‌ی ویژه بود درنگ کردیم.» <p>تجربه حضور در خانه درونگرای ایرانی با ذهنیت از پیش ایجادشده و در ناخودآگاه خاطرات ذهن تجربه فضای درون خانه با طعم آسودگی و گرمایی دل‌نشین</p>	<p>موریه ۱۳۸۶</p>		
<p>توصیف نگاه از بیرون به درون در خاطره حضور در خانه همسایه؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «خانه مصطفی که اتفاقات بسیاری در آن می‌افتاد. ▪ ورودی مقرنس‌کاری این خانه به یک هشتی بسیار زیبا راه می‌یافت. ▪ هشتی به حیاط بیرونی باز می‌شد. ▪ این حیاط با یک درب دولنگه به اندرونی متصل می‌شد که غالباً بسته بود.» <p>خانه همسایه در ذهن کودکی راوی از ورودی آغاز و در درب بسته اندرونی به پایان می‌رسد. در ادامه ذهن به مرکز فضای بیرونی برمی‌گردد و این فضا را مکانی دنج و یک اندرونی مستقل برای بازی‌ها و شیطنت‌های کودکان ترسیم می‌کند.</p>	<p>صارمی ۱۳۸۹</p>	نگاه درون به برون	روایت زندگی خانه خوشین مرکز امن و مقر دیدبانی جهان
<p>توصیف خانه به‌عنوان مرکز امن و مقر دیدبانی جهان پیرامون؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «پشت‌بام خانه ما، یکی از مکان‌های کشف و یافتن فضاهای راز آمیز و سوراخ‌سنبه‌هایی بود که در تمام فصول در آن کاوش می‌کردیم. ▪ درخت زردآلوی همسایه از بهار تا پاییز که تبدیل به برگه پهن‌شده روی بام گاه‌گلی می‌شدند، مورد بهره‌برداری دائمی ما قرار می‌گرفت؛ ▪ البته با مقادیری تهدید و ناسزای یاورخان همسایه.» 	<p>صارمی ۱۳۸۹</p>		
<p>توصیف بیرون خانه؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «در کویر بیرون خانه -پشت حصار ده- هیچ نیست - راه تنها به سوی آسمان باز است.» <p>تجربه آرمیدن در بام خانه درونگرا و نظاره طعم سکوت آسمان؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ توصیف «نور ستارگان از میان سیاهی شب» ▪ توصیف «نسیم خنک از پس گرمای سوزنده روز» ▪ توصیف صدای «آواز جیرجیرک‌ها و فریادهای غلتان و طولانی قورباغه‌ها» 	<p>شریعتی ۱۳؟؟</p>		





جدول ۲. هدایت مسیر ذهنیت از درون به درون در متن زندگی خانه‌های درونگرای ایرانی (مأخذ: نگارندگان)

منظر ذهنی روایتگر در متن روایت	مشخصات روایتگر	نوع نگاه	منظرگاه روایت زندگی
<p>بازگشت به پیشینه ذهن و قیاس غافلگیرکننده منظر شهر ایرانی و غربی نگاه درون به درون؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «ساختمان‌های مسکونی تنیده‌تر و مناسب‌تر برای زندگی جمعی» ▪ انسان همواره در درون یک کل منسجم و کمتر انفرادی قرار گرفته ▪ تکرار گذار از فضای بسته به فضای بسته دیگر ▪ تداوم و پیوستگی نماهای درونگرای خانه‌ها در مقابل نماهای برجسته و برونگرای غربی ▪ تداوم میان بناها با جزیره‌های تهی و بازی نور و سایه در سفری نمادین 	<p>استیرلن ۱۳۷۷</p>	نگاه درون به درون	مفهوم خانه در متن زندگی روایت بازگشت
<p>محصوریت خانه درونگرا ایجاد گر بازگشت ذهن به دنیای درون؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «خانه ایرانی با حیاط داخلی محصور از چهار جانب- ▪ به روی دنیای خارج کاملاً بسته- ▪ فقط بالای آن به‌سوی آسمان باز است- ▪ انعکاس آسمان در چشمه آب در مرکز حیاط خانه» 	<p>بورکهارت ۱۳۸۹</p>		
<p>روایت صحنه‌ای پرشور از جریان حیات در میانه حیاط مرکزی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ تماشای آیین‌های یادبود از درون اطاق به درون حیاط ▪ « چون روضه‌خوانی ویژه آن روز در میانه حیاط آغاز گردید، پنجره‌های اطاقی که در آن نشسته بودیم گشوده شد. ▪ ما همه به پنجره به‌سوی حیاط رو کردیم.» ▪ صحنه تعزیه در وسط حیاط به جریان می‌افتد. <p>توصیف سفره خوراک، غذاهای رنگارنگ و فضای پذیرایی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «خاموشی‌ای که در چنین زمان‌هایی بر مجلسیان حکم‌فرما می‌شود، از دلپسندترین کیفیت‌های مهمانی‌های ایران ▪ نه غوغا و صدای به‌هم خوردن بشقاب و چاقو و چنگال و نه بانگ نوشانوش ▪ کمتر سخنی گفته می‌شود و همه سرگرم کار خوردن هستند. ... ▪ سفره با شتاب و بی‌سروصدا برچیده می‌شود. ▪ گویی کارها با سحر و جادو پایان یافته است.» 	<p>موریه ۱۳۸۶</p>		
<p>در خوانش خانه در متن زندگی در نهایت ذهن با گذار از جهان پیرامون به توصیف عمق دنیای درون در خاطرات بازمی‌گردد؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «درب بسته اندرونی؛ باعث می‌شد با خیال راحت برنامه‌های گوناگون بازی کودکانه ما در بیرونی انجام می‌گرفت» ▪ خاطره عطر نان در «تنور انتهای آشپزخانه - محلی که به آن - ته‌سان - می‌گفتند» 	<p>صارمی ۱۳۸۹</p>		
<p>قرینگی‌های آینه‌وار در خانه درونگرای ایرانی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ «من میان قرینه‌ها زیسته‌ام. خانه‌های ما، در قرینه‌سازی قوطه‌ورند. ▪ همتای هر باغچه در سوی دیگر آب‌نماست. ▪ در ابهام سرداب، قرینه‌ها محرم یکدیگرند. ▪ ایوان جای افشای قرینه‌هاست. اطاق‌ها از هر سو به قرینه نشسته‌اند. ▪ اشیاء اطاق هم قرینه‌وار جا گزیده‌اند. لاله‌ها قرینه‌وار ایستاده‌اند. آینه درون این طاغچه تکرار آینه آن طاغچه است. مرغ این‌سوی بخاری دیواری، ادای لطیف مرغ آن‌سوی بخاری است. اطاق مکان حاضر جوابی دلپذیر است. ▪ قالی جانشین باغ ایرانی است. و باغ خود قرینه بهشت است.» 	<p>سپهری ۱۳۸۲</p>		



به بررسی فاکتورهای ذهنی مستخرج از این مصاحبه‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری از میان افرادی انتخاب شده که جریان زندگی در خانه‌های درونگرای ایرانی را تجربه کرده‌اند. تمرکز بر یک بافت گمشده تاریخی و تعلق ساکنان آن به طبقه متوسط جامعه باعث گردید تا ناگفته‌های جریان حضور در پس زندگی در خانه‌های معمولی در زمان گذشته مورد خوانش قرار گیرد. داده‌های کیفی احصاء شده از مصاحبه شونده‌گان، پس از دسته‌بندی نکات اشاره‌شده، گزاره‌های و مقولات مربوط به بحث با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا^{۳۱} تحلیل شده است.

• تعبیر نوع نگاه با تثبیت سرگشتگی درون و برون

آنچه در روند معناشناسیک- شناخت و تجربه معنا- در فضای معماری به صورت ویژه حائز اهمیت است، تعبیر نوع نگاه فرد و تثبیت سرگشتگی درون و برون در خانه‌های درونگرای ایرانی می‌باشد. تأکید بر سه شیوه نگاه «برون به درون»، «درون به برون» و در نهایت نگاه «درون به درون» موضوع محوری و تعیین‌کننده در این پژوهش است. از آنجا که خانه‌های درونگرای ایران در مناطق حاشیه کویر ایران فراوانی قابل توجهی داشته و درونگرایی و درون‌نگری در ریشه‌های فرهنگی و شیوه نگاه ساکنین این مناطق نیز وجود دارد لذا می‌توان نتایج را به خانه‌های سنتی این مناطق تعمیم داد.

نمودار شکل ۳ به نظرات مصاحبه‌شونده‌گان و فراوانی آنها در نرم‌افزار مکس کیودا در حوزه محوری تعبیر نوع نگاه درون و برون در خانه‌های حاشیه کویر می‌پردازد. که نشان می‌دهد؛ اکثریت مصاحبه‌شونده‌گان ۷۰٪ این موضوع را در میان متن مصاحبه‌ها با رستخیز خاطر ناخودآگاه مورد تأکید قرار داده و پذیرای این نوع نگاه در تعبیر خانه از منظر ذهن می‌باشند. ردیف افقی نمودار کدهای A تا Z معرف مصاحبه‌شونده‌گانی است که در گروه‌های سنی ۳۵ تا ۸۵ سال بوده و دارای پیشه و تحصیلات متفاوت بوده و تنها وجه مشترک آنها زندگی در خانه‌های درونگرا در یک بستر فرهنگی مشابه است.

برشماری خاطرات غیرارادی در خوانش روایت نشان می‌دهد که دریافت‌های ذهنی آنگاه که به درک عمیق مفهوم خانه دست‌یابند؛ نظاره‌گر گذار میان درون و برون خواهند بود. ارتباط ذهنی فرد با عرصه درونی خانه که در جریان نوع نگاه از درون به درون شکل گرفته، به تجربه معماری فرد در دوران کودکی بازمی‌گردد. خانه مرکزی امن و نقطه تصاحب دنیاست که می‌توان از درون، جهان برون را نظاره نمود. عرصه درون خانه جولانگاه حضور بی‌انتهای ذهن در مسیر ارتباط با جهان پیرامون بوده و فرد از عرصه درونی خانه خویشتن نگاه درون به برون را تجربه می‌کند. در توصیف خانه دیگری -همسایه- نگاه برون به درون ایجاد می‌شود.^{۳۰}

آنچه در عرصه درونی خانه‌ها و در میانه حیاط مرکزی از روایت یافت می‌شود؛ صحنه‌ای است از جریان حیات، که از بیرون سکوت است و از درون سرشار از ماجرا و شور زندگی می‌باشد. آجرکاری‌ها، حوض ماهی‌ها، تناسبات طلایی و ابعاد فضاها، نقش اقلیم و هنر در معماری را می‌توان با بازدید عینی از فضای خانه‌های سنتی ایران مشاهده نمود. اما آنچه از جشن‌ها و عزاداری‌ها و جریان زندگی در میانه حیاط درونگرای ایرانی رخ داده است نه با چشم سر که با مرور خاطرات در لایه‌های ذهنی قابل بازیابی است. آنچه از تفسیر فضای بیرون و درون خانه‌ها دریافت می‌شود برابر با تفسیر شور زندگی در میانه فضاست. شوری که از برون حضوری خاموش است و از درون جریانی پربهاهو دارد.

• تحلیل فاکتورهای ذهنی مستخرج از مصاحبه‌ها

ضرورت استناد به کتب خاطرات و سفرنامه‌ها، به منظور شناخت چستی تجربه معنی در معماری خانه بوده اما کفایت آن را تضمین نمی‌کند، زیرا این منابع یا محدود هستند و یا بیشتر متعلق به خانه‌های قشر مرفه و سفرهای سفیران و خاطرات سیاستمداران است. استناد به طبقه خاصی از جامعه گویای کاملی از روابط فرهنگی و شیوه زندگی عام در بین مردم نمی‌باشد. بر این اساس به منظور دستیابی به ساختارهای مشخص‌تر در زمان حال با انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته

نام و نشان مصاحبه‌شونده‌گان		A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M	N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z
مفاهیم معنایی	تعبیر نوع نگاه و تثبیت سرگشتگی درون و برون در خانه و بستر زیستی																										
	نگاه برون به درون																										
	نگاه درون به برون																										
	نگاه درون به درون																										

شکل ۳. نمودار فراوانی تعابیر نوع نگاه در خانه و بستر زیستی، با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا (مأخذ: نگارندگان)



جدول ۳. دسته بندی بخش‌هایی از متن مصاحبه‌ها در تجربه فضای خانه و مواجهه با مفهوم درون و برون (مصاحبه‌گر: مریم اکبری) (مأخذ: نگارندگان)

نگاه برون به درون

- توصیف خانه به‌عنوان مقصدی ساکن در انتهای مسیر طولی؛ فاصله چهارصد متری خانه پدری تا خانه پدربزرگ در نظرم به راهی طولیل شبیه بود. از میان باغ دلگشایی می‌گذشت و در پشت دیوارهای بلند خشت و گلی خانه‌ای زیبا انتظارمان را می‌کشید. (نقل از مصاحبه‌شونده کد U)
- توصیف خانه پشت دیوارهای بلند با دروازه‌های بزرگ و همیشه گشوده؛ شیرین‌ترین خاطره درب خانه پدربزرگم بود که هیچ وقت بسته نبود. اما به نشان اعلام حضور قبل از ورود، کلون درب را به صدا در می‌آوردیم. (نقل از مصاحبه‌شونده با کد W)
- در پس عبور از گرمای آفتاب به سمت خانه لحظه‌ای در خنکای سایه ورودی مکث می‌کردیم. طعم آب کوزه سکوی پیرنشین فراموش نشدنی است. (نقل از مصاحبه‌شونده کد J)

نگاه درون به برون

- در کودکی کار روزانه‌ام پر کردن کوزه خانه پدری بود. در مسیر آب انبار از جاده‌های خلوت و گاه دهشتناک می‌گذشتم. دویست متر خیابان را چنان شتابان می‌رفتم و بازمی‌گشتم که به خیال خودم به سه شماره آب خنک را به خانه تحویل دهم. (نقل از مصاحبه‌شونده کد U)
- خانه همسایه پشتی از طریق نورگیری با پنجره کوچک به خانه ما راه داشت. همیشه از این پنجره می‌ترسیدم. ... پشت بام خانه را خیلی دوست داشتم چون باد آزادانه در فضاهای متوالی بام خانه‌ها می‌دویدم. ... (نقل از مصاحبه‌شونده کد B)
- بچه‌ها از پشت بام خانه همسایه را نگاه می‌کردند. بزرگترها همیشه ترس سقوط کودکان از بام‌های بی حصار را داشتند. (نقل از مصاحبه‌شونده کد R)

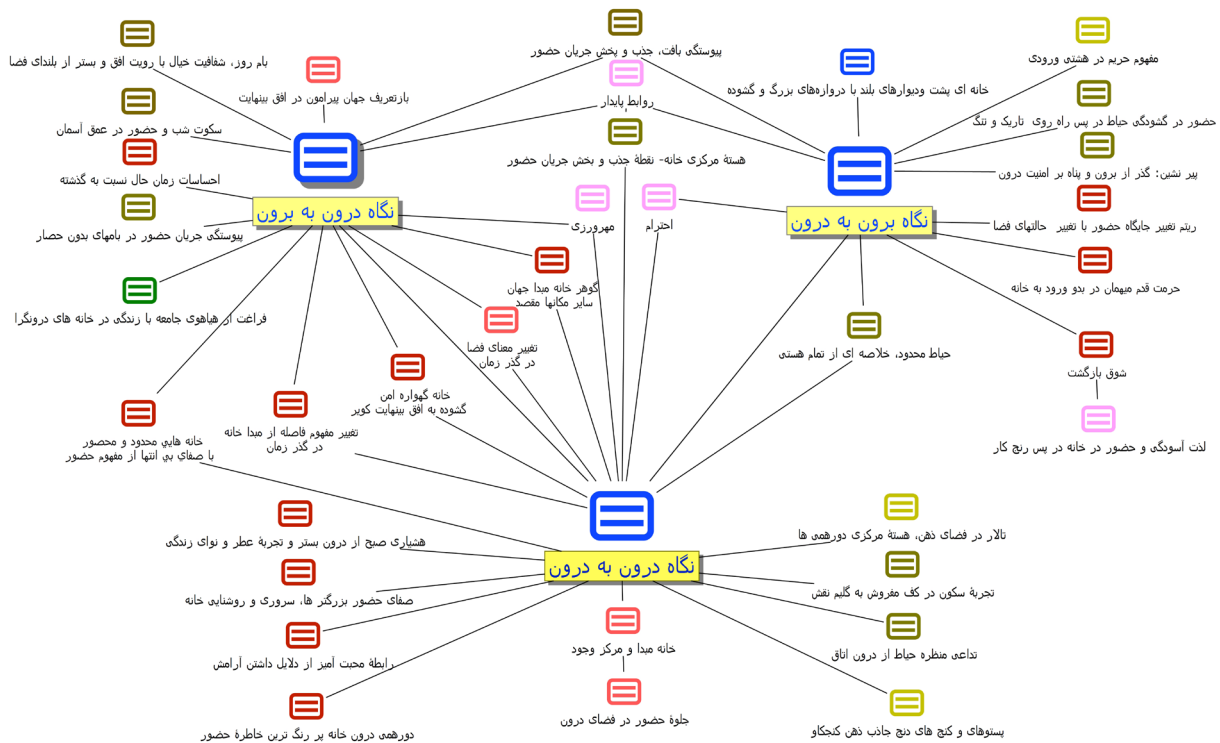
نگاه درون به درون

- سمت چپ اتاق سه دری، دالان کوچکی بود که با پله‌هایی به زیرزمین خانه وصل می‌شد. زیرزمین دنج‌ترین جای دنیای ما بود. با فضایی مطبوع برای خواب شیرین ظهرهای تابستان. (نقل از مصاحبه‌شونده کد H)
- پنجره‌های کوچک رو به پشت ساختمان تاقچه‌هایی داشت که رنگ چشم نواز گلدوزی‌های پرده‌های آن خود نمایی می‌کرد. ساعت‌ها کنار این پرده می‌نشستم و به گل‌بوته‌ها، آهوان آزاد و چمن‌های آن خیره می‌شدم. انگار پنجره‌ای باز می‌شد به سوی بهشت هزار منظر آرزوهای من. (نقل از مصاحبه‌شونده کد U)
- کوچ درون مکانی خانه؛ صبح در سایه دیوار شرقی سفره صبحانه پهن می‌شد. با تداعی این خاطره در همین لحظه عطر نان محلی در سرم پیچید. عصر هم در ضلع غربی حیاط فرش می‌انداختیم و دور هم می‌نشستیم. (نقل از مصاحبه‌شونده کد X)
- ارتباط مستقیم با زمین دلیلی بر ایجاد انرژی و حس خوب در خانه‌های قدیمی ما بود. (نقل از مصاحبه‌شونده کد E)

مفاهیم درون و برون در فضای ذهنی معماری است. آنچه در این‌بین اهمیت دارد؛ جایگاه خانه به‌عنوان مبدأ و مرکز وجود در شیوه نگاه فرد به جهان است. فرد جلوه حضور را در فضای درون یافته و به نظاره جایگاه خویشتن در جهان پیرامون می‌نشیند. جهت‌گیری نوع نگاه از درون وجودی فرد آغاز شده و تثبیت سرگشتگی میان درون و برون با پایداری روابط میان افراد معنا می‌یابد. این روابط هسته مرکزی خانه را به جایگاه جذب و پخش جریان حضور تبدیل نموده و با وجود محصوریت در معماری کویری به ایجاد پیوستگی اجتماعی در بستر زیستی می‌انجامد.

دیگرام شکل ۴ به تحلیل کیفی نوع نگاه فرد با تثبیت سرگشتگی درون و برون در خوانش فضای ذهنی معماری خانه‌های بستر زیستی حاشیه کویر پرداخته است و روابط درونی آن‌ها را با مفاهیم و گزاره‌های معنایی احصا شده از مصاحبه‌شوندگان، موردبررسی قرار می‌دهد. دسته‌بندی گزاره‌های معنایی و بررسی ارتباط درونی کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها که از میان متن روایات برداشت شده، شاهدی بر واقعیت بینابین در ساختار زندگی فضای تهی خانه‌ها و ارتباط منظر ذهن افراد در مواجهه با جهان درون و برون است. ارتباط درونی این کدها با تحلیل کیفی این نمودار صورت پذیرفته بیانگر رابطه





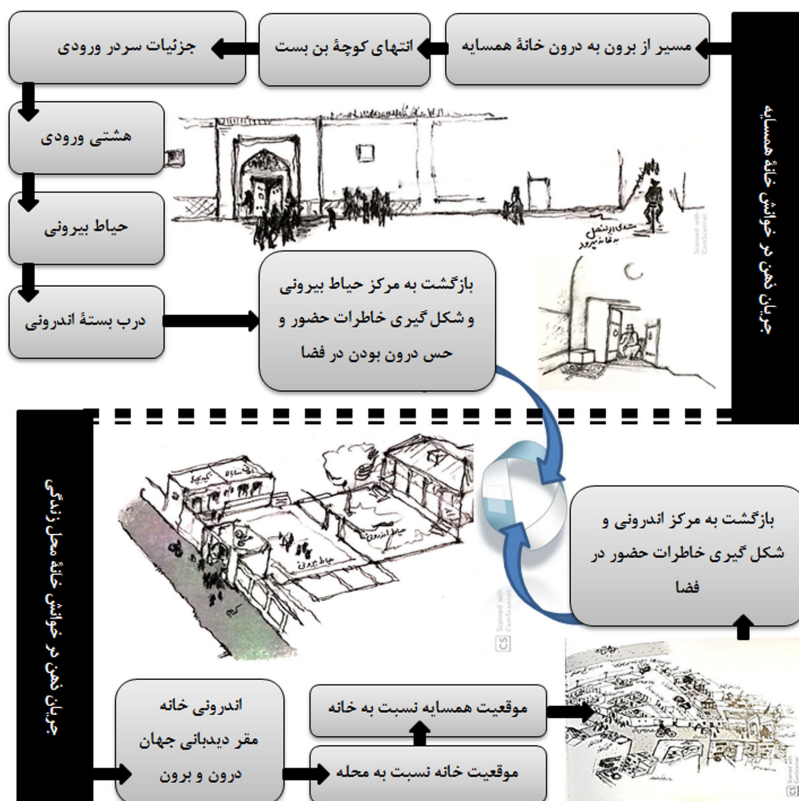
شکل ۴. تحلیل کیفی روابط درونی نوع نگاه با تثبیت سرگشتگی درون و برون در خانه و بستر زیستی حاشیه کویر، با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا (مأخذ: نگارندگان)

مویوس و جریان سیال ذهن در خوانش خانه‌های درونگرا قابل‌ارائه می‌باشد. تصویر ۵ برگرفته از حقایق پنهان در خاطرات ناخودآگاه، طرح‌واره‌های ذهنی ایجادشده در جریان تجربه عرصه درونی خانه را در قالبی یکپارچه ارائه می‌دهد. در مسیر این جریان، ذهن خانه و محل زندگی خود را مبدأ می‌انگارد و محل خانه همسایگان را نسبت به نقطه مبدأ، در مسیری سیال و متوالی، از درون به برون و از برون به درون می‌نگرد. این جریان در مسیر بی‌انتهای ذهن ادامه یافته تا در نهایت امر به معرفت دنیای درون یا «پدیدار آیین» دست یابد. پدیدار آیینی که از دیدگاه فلسفی سه‌روردی نشأت می‌گیرد؛ انتهای مسیری است که فرد در راه شناخت به آن قدم بر می‌دارد. در حقیقت فرد با طی طریق شناخت معنای پدیده‌ها حقیقت را در بیداری درون و آگاهی ناخودآگاه ذهن یافته و در آیین خوشستن خویش را می‌یابد و به شناخت ماهیت پدیده‌ها نائل می‌گردد.

جمع‌بندی: مسیری جامع برای تفسیر معماری با تأکید بر تئوری مویوس

تفسیر ذهنی معماری که از محورهای اصلی این پژوهش است؛ با مرور خاطرات زندگی و بهره‌گیری از پیشینه ذهنی افراد در هنگام تجربه فضا امکان‌پذیر می‌باشد. این خاطرات معرفت توان ذهنی افراد در تجلی تصاویر منحصر به فردی است که در پی یافتن معنا در میانه فضاهای مهرآزی^{۳۲} پنهان گشته‌اند. بازشناسی تمام صورت‌های معنایی معماری در زمان حضور راوی برای مخاطب معمایی حل ناشدنی، و در هاله‌ای از ابهام است؛ اما تمامی آنها با قرارگیری درون گردونه‌ای به میدان آورده شده، که می‌تواند به استناد ریاضیدان‌ها به «توان‌های مرموز زمان»^{۳۳} در پدیده مویوس معرفی گردد. به‌منظور برشماری طرح‌واره‌های ذهنی و جستجوی نحوه ارتباط آنها با یکدیگر می‌بایست به ارائه تفسیری موضوع در یک قالب کلی پرداخت. این ارتباط بر مبنای تئوری

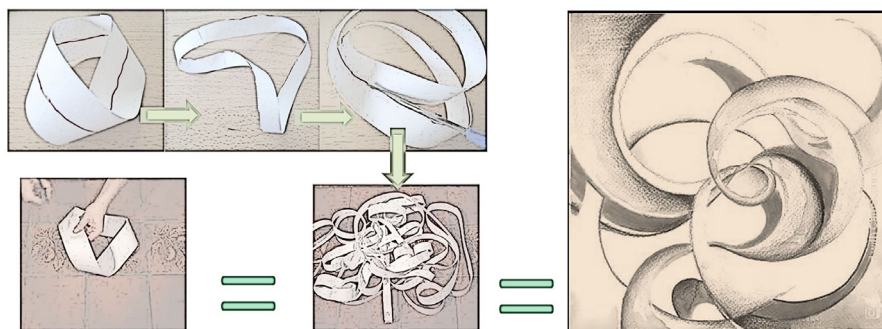




شکل ۵. مراتب خوانش خانه‌ها در جریان سیال ذهن و گذار از درون و درون (مآخذ: نگارندگان؛ مآخذ اسکیس‌ها: صارمی ۱۳۸۹)

شناخت را لایه‌لایه کنیم؛ پیوستگی طولی آن، از بین نخواهد رفت و لایه‌های ذهنی به‌صورت ریزوموار با یکدیگر در ارتباط بوده و تفکیک‌ناپذیر خواهند بود. این پدیده در نوار مویوس با لایه‌لایه کردن عرضی مسیر در شکل ۶ قابل مشاهده و محاسبه می‌باشد.

دیگرام مراتب خوانش خانه‌ها در جریان سیال ذهن (شکل ۵) نشان می‌دهد که فضای ذهنی در معماری خانه از نقطهٔ مبدأ شروع می‌شود؛ و با حرکت در مسیری ممتد و بی‌پایان، به همان مرز و مرکز اولیه باز می‌گردد. اما عرض مسیر بسته به ریشه‌های فرهنگی فرد، مناظر متفاوتی را ادراک خواهد نمود. هر چه از عرض، مسیر

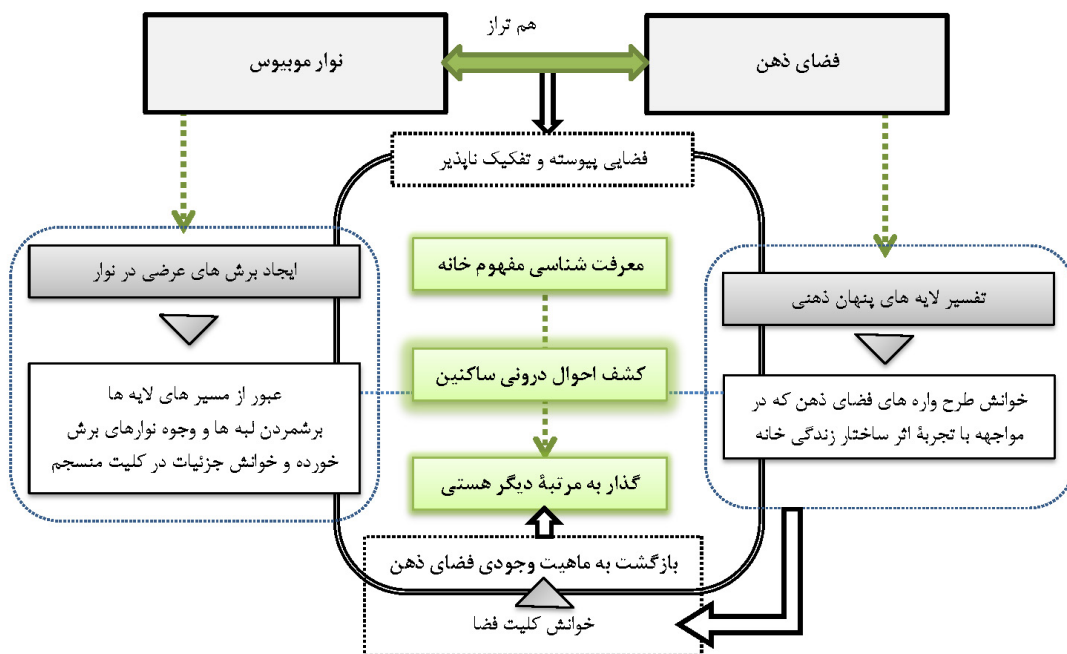


شکل ۶. نمایش لایه‌های ریزوموار و تفکیک‌ناپذیر نوار مویوس (مآخذ نگارندگان)



نوار، ادراک حاصل از تجربه حضور در فضای معماری و زمینه‌های ذهنی مبهم آن را به کلیتی منسجم تبدیل می‌کند. شکل ۷ نحوه انطباق لایه‌های ذهنی با نوار موبیوس را در قالب دیاگرام نشان می‌دهد. همچنین قرارگیری سه مرحله «معرفت‌شناسی مفهوم خانه»، «کشف احوال درونی ساکنین» و «گذار به مرتبه دیگر هستی» در این دیاگرام نمایشی از مراحل شناخت ساختار زندگی در معماری و هم‌ترازی آن با لایه‌های ممتد ذهنی می‌باشد.

در جریان خوانش اثر معماری فاکتورهایی با چارچوب مشخص و دارای کلیت مطلوب یا نامطلوب در ذهن خواننده اثر حک می‌شود. این فاکتورها ابتدا به صورت طرح‌واره‌هایی پراکنده‌ای هستند که در مکان‌های ثابت، فضاهای ذهنی چندوجهی‌ای را به وجود می‌آورند. تئوری موبیوس می‌تواند چون ریسمانی نظام‌دهنده این طرح‌واره‌های ذهنی باشد و کلیت فضای معماری را در هنگام تجربه اثر تفسیر نماید. به عبارتی دیگر، انطباق طرح‌واره‌های ذهنی در زمان خوانش اثر بر روی این



شکل ۷. مدل پیشنهادی مسیری جامع برای تفسیر معماری با تأکید بر انطباق فضای ذهن و تئوری موبیوس (مأخذ: نگارندگان)



جدول ۴. گام‌های پیشنهادی شناخت ذات معماری خانه‌های درونگرای ایرانی از منظر ذهن (مأخذ: نگارندگان)

معرفت‌شناسی مفهوم خانه

اولین گام شناخت مفاهیم درونی فضاهایی است که در آن سکونت و زندگی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در این مرحله باید در ابتدای مسیر شناخت تعابیر نظریه‌پردازان حوزه فلسفه و معماری که به ماهیت پدیده‌ها پرداخته‌اند؛ مورد توجه قرار گیرد. با قرارگیری در مسیر معنا، می‌توان به توانایی‌های ذاتی و وجودی معماری در به نمایش در آوردن مؤلفه‌های حضور و تجربه فضا قدرت بخشید.

کشف احوال درونی ساکنین

در این گام به خوانش رستاخیز خاطرات افرادی که تجربه زندگی در خانه‌های درونگرای ایرانی را داشته‌اند؛ پرداخته می‌شود. البته این مورد می‌تواند به موضوعات دیگری مانند بناهایی عبادتگاهی و بافت‌های سکونتگاهی هم تعمیم یافته و مورد تحلیل کیفی به روش اکتشافی - تفسیری قرار گیرد. پس از معرفت‌شناسی مفاهیم فضا در این گام، مؤلفه‌های بیدارگر ذهن در خاطرات برگرفته از تاریخ زندگی استخراج شده و با بررسی رابطه درونی مفاهیم ذهنی احصاء شده از روایات می‌توان به واقعیت‌بینایی در فضای تهی خانه دست یافت. پژوهشگر باید در برداشت جریان زندگی افراد به خوانش میان‌متن روایات بپردازد و ذات مفاهیم و پدیده‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد. این روایات می‌توانند مستند و مکتوب بوده و یا با پیاده سازی مصاحبه‌های عمیق با جامعه آماری مورد بحث، گردآوری شوند. در جریان مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته باید بر طبق محورهای مورد نظر، مصاحبه‌شونده را در جهت مؤلفه‌های ذهنی هدایت نمود. در خوانش روایات تا جای امکان باید از تعابیر فرمی و بدیعیات دوری گزید و به شرح احوال درونی فرد در زمان یادآوری خاطرات زندگی پرداخت. به اعتبار این شیوه می‌توان به رستاخیز خاطره و بیداری ذهن ناخودآگاه در خوانش و تفسیر ذهنی معماری دست یافت.

گذار به مرتبه دیگر هستی

پس از کشف احوال درونی ساکنین خانه‌ها آنچه که ماحصل دریافت‌های ذهنی افراد از ذات پدیده‌هاست؛ پدیدار شدن مسیری است که لایه‌های ذهن را به جستجوی معنای مکان در تجربه فضای معماری هدایت کند. فضای ذهن در مواجهه با معنای پدیده‌ها و ذات بنا از جنبه‌های عینی و فیزیکی فضا جدا شده و با دستیابی به کیفیت ساختار زندگی در فضاهای معماری به روابطی ذهنی دست خواهد یافت که منحصر به فضای معماری مورد مطالعه بوده و با لایه‌های ذهن خواننده اثر معماری ارتباطی جدا ناشدنی دارد. این مسیر ممتد، بی‌انتهای بوده از درون لایه‌های ذهن می‌گذرد. با قرارگفتن ذهن در مسیر موبیوس‌وار شناخت، جدایی ذهنیت و عینیت صورت پذیرفته و فرد با دستیابی به پدیدار آینه به مرتبه دیگر هستی گذار می‌کند. گذار به مرتبه دیگر هستی منجر به بالا رفتن توان آدمی در امر شناخت ذات پدیده‌ها خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از نظریات این پژوهش روشی را برای تفسیر ساختار زندگی در معماری خانه‌های درونگرای ایرانی از منظر ذهن پیشنهاد می‌کند. همچنین با تعبیر نوع ارتباط ذهن با جهان پیرامون و تأکید بر سه شیوه نگاه؛ درون به برون، برون به درون، درون به درون، فرد به مسیر جستجوی معنا هدایت می‌شود. بر مبنای این روش، تفسیر ذهنی فضا با تثبیت سرگشتگی درون و برون و از طریق «معرفت‌شناسی مفهوم خانه»، «کشف احوال درونی ساکنین» و «گذار به مرتبه دیگر هستی» ممکن می‌شود. شناخت فلسفی مفهوم خانه با خوانش میان‌متنی روایات زندگی خانه‌های درونگرای ایرانی به مکاشفه احوال درونی افراد در ساختار زندگی این خانه‌ها در زمان گذشته پرداخته است. جهت ترمیم گسست ایجاد شده میان گذشته و آینده و دستیابی به راهبردی برای انتقال تجربه پیشینیان و همچنین در پی پاسخ به پرسش پژوهش، که به دنبال چیستی ذات و درون وجودی ساختار زندگی در بناها و چگونگی دستیابی به روشی برای شناخت معنای

معماری در تجربه پدیده‌ها می‌باشد؛ فرد به مسیری برای شناخت ماهیت معماری هدایت شده است. مسیری منطبق بر تئوری موبیوس که چون ریسمانی نظام‌دهنده به انسجام، توالی و تفکیک‌ناپذیری این لایه‌های پنهان ذهن کمک می‌کند. تجربه فضای معماری در روایت زندگی خانه درونگرای ایرانی، جریان ذهنی فرد را در مسیری موبیوس‌وار به درون می‌کشاند. نهایت این مسیر جایی است که در فلسفه به پدیدار آینه ختم می‌شود. هدایت مسیر ذهنیت از درون به درون، منجر به بالا بردن توان آدمی در امر شناخت و بازگشت به ریشه‌های خویشتن خویش خواهد شد.

شناخت پدیده‌ها در خوانش روایت زندگی در این خانه‌ها نشان می‌دهد که آنچه در ساختار زندگی و عرصه‌های درون خانه‌های سنتی ایران پنهان شده، «روحی است که رازی‌گر برای زندگی بخشیدن به بنا دمیده» است. گام‌های پیشنهادی برای شناخت ذات معماری، به معماران کمک خواهد کرد تا با سر برآوردن فضاهای نهفته ذهنی، در پی تلاقی یک احساس حاضر و یک خاطره



نمانده و آنگاه که کشف نهایی را معطوف به آینده کند، به‌طور توأمان سمت و سویی پیش‌نگرانه نیز می‌یابد. نگاه توأمان پس‌نگرانه و پیش‌نگرانه این پژوهش به جریان زندگی در معماری خانه‌های درون‌نگرای ایرانی نیز با همین هدف ایجادشده و می‌تواند پیش‌درآمدی گردد برای آینده‌معماران‌ی که می‌خواهند رازی‌گری کنند و خانه‌هایی را برای زندگی بنا نمایند.

بوده و بتوانند تکه‌پاره‌های زنده زمان‌های در خاک فروخته را بازیابند. خوانش فضاهای معماری با تأکید بر رستاخیز خاطر، ذهن را میان حال و گذشته به نوسان می‌آورد. فرد به جستجوی معنا رهنمون شده و با مکاشفه‌دنیای درون، به‌واسطه بیداری ذهن ناخودآگاه و نگاهی پس‌نگرانه بر تجلی گذشته که در اکنون تأکید دارد، ثبات گمشده‌ی خویش را خویش را باز خواهد یافت. این تأکید در گذشته باقی

پی‌نوشت

۱. نوربرگ شولتز، پدیدارشناسی را به‌عنوان روشی برای «بازگشت به چیزها» ضروری می‌داند. به اعتقاد وی ایجاد محیط عملکردگرایانه هندسی در معماری بحران معنا را به وجود می‌آورد (پالاسما ۱۳۸۸، ۸).
۲. خانه مرکز وجود و نقطه آغاز حرکت و شناخت جهان می‌باشد.
۳. ریزوم اصطلاحی که توسط ژیل دلوز (فیلسوف فرانسوی) از زیست‌شناسی وارد فلسفه شد. «ریزوم لایه‌لایه و وابسته به مکان است؛ اما می‌تواند از جای خود برکند و حلقه‌های ارتباط جدید ایجاد کند. ریزوم آغاز و پایان نداشته و همیشه در بین راه است.» (شایگان ۱۳۹۶، ۳۵۲)
۴. «خانه نقطه آغاز حرکت برای تصاحب دنیاست. اگر فرد در یک مکان ریشه داشته و به آن وابسته باشد؛ و اگر این مکان واقعاً خانه باشد؛ چنین مکان‌های مسکونی در حقیقت پایه‌های وجود انسان را می‌سازند؛ که نه فقط مفهومی برای همه فعالیت‌های بشر هستند؛ بلکه امنیت و هویت را برای افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کنند.» (رلف ۱۳۸۹، ۵۴)
۵. «رستاخیز خاطر عبارت است از احیای تمام عیار واقع‌ای در گذشته، که به ناگاه در اثر دریافت‌های ذهنی به زمان حال فراخوانده می‌شود. کیفیتی که صرفاً به کارکرد عالم ناخودآگاه بستگی دارد و با حدود اراده و یادآوری عقل حاصل نمی‌شود.» (شایگان ۱۳۹۷، ۱۵۱)
۶. به نقل از جیم دابلیو ترنر خطاب به جان راسکین در سال ۱۸۴۴
۷. رساله «Amy Bragdon Gilley» تحت عنوان «طراحی، نگارش و مجسم‌سازی؛ ماسک‌های معماری هیدوک»
۸. Marucus Clare Cooper
۹. «House as Mirror of Self»
۱۰. «The house as symbol of self»
۱۱. (۱۹۷۴ Bogdan)
۱۲. (۱۹۹۴ Kaufman)
۱۳. McAdams
۱۴. در رساله سهروردی آمده؛ «پدیدار آینه، رهپوی خفته را بیدار می‌کند و به خودآگاهی نسبت به خویشتن می‌رساند.» (کرین ۱۳۹۰، ۵۲۵)
۱۵. Schmid
۱۶. Structuralist Theory of Narrative
۱۷. در این تعریف، متونی با ساختار زمانمند روایت نامیده می‌شوند که تغییری در وضعیت آنچه توصیف می‌شود را گزارش دهند و از این جهت، از متون توصیفی صرف متمایز می‌گردند. (Schmid ۲۰۱۰، ۶-۵)
۱۸. Kindt & Müller
۱۹. Tully
۲۰. (۲۰۰۳-۱۹۰۷) Maurice Blanchot
۲۱. Genette
۲۲. «دکارت، پس از اثبات «قضیه کوگیتو»، با قائل شدن به تمایز میان جوهر جسمانی و جوهر اندیشنده، موضوع چگونگی ارتباط میان نفس و بدن را مطرح نمود. تفکیک میان این دو جوهر، باعث تمایز دو مکتب فلسفی تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی نیز شد. دکارت به ارتباط و تعامل نفس و بدن در تجربه روزمره اذعان دارد؛ اما از حل این پیوند و تعامل بر اساس مبانی فلسفی ناتوان است.» (حکمت‌مهر ۱۳۹۰)





۲۳. Bollnow

۲۴. In-Between Reality: بستری که در آن چیزها را کنار هم گذاشت.

۲۵. از دیدگاه دریدا «معنا چه در نوشتار و چه در گفتار، به‌رحال حاضر نیست» و دلالت همواره استوار بر غیاب معناست. بابک احمدی با بیان اصطلاح «تحلیل معنا شناسیک» معتقد است که حتی با فرض ناممکن بودن دسترسی به معنا، کار اندیشه متوقف نمی‌شود؛ و کار ما کشف امکانات معنایی می‌شود. می‌کوشیم بدانیم چگونه متن پنهان‌گر می‌شود. برای پاسخ به این سؤال ناگزیر به شالوده‌شکنی هستیم. شالوده‌شکنی ویرانگری نیست؛ تحلیل است. (احمدی ۱۳۷۵، ۶۸-۷۰)

۲۶. Ricoeur

۲۷. نمونه‌هایی از خاطرات غیر ارادی در روایات که توسط فضای خانه تداعی می‌شوند عبارت‌اند از «اطاق آبی- رنگ خاک - بوی خاک نم‌خورده- خنکای آب- آسمان پرستاره- عطر سپند- افق بیکران بام- منظره کادره شده آسمان که چشم را تنگ می‌کند.»

۲۸. گومبریچ «درهم شدن زمان‌ها» را تلاشی برای جستجوی معنا می‌داندست (Gombrich ۱۹۶۴، ۳۰۲). در مسیر این جستجو «تماشاگر می‌تواند زمان حاضر را درک کند، گذشته را به آن مرتبط نماید؛ و آینده را حدس بزند.» (احمدی ۱۳۷۵، ۲۷۸)

۲۹. اشاره به دیدگاه‌های هوسرل، هایدگر و باشلار

۳۰. صارمی (۱۳۸۹) در روایات توصیف خانه خویشتن -نقطه آغاز و تصاحب دنیا- از فضای اندرونی خانه محل زندگی خود سخن گفته‌شده، اما در توصیف خانه دیگری از کوچه و سردر خانه و در نیمه‌باز هشتی، ذهن از برون به درون خاطره ناخودآگاه را مرور می‌نماید. در نهایت بازگشت اتفاق می‌افتد و در ذهن مفهوم اولیه شکل‌گیری خانه و نگاه درون به درون ظهور می‌کند.

۳۱. Maxqda

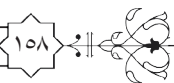
۳۲. رازی‌گری با مهرازی معادلی برای واژه معماری است.

۳۳. به اعتقاد دانشمندان علوم ریاضی، زمان با برخورداری از توان‌هایی مرموز و ناشناخته؛ ترسیم‌کننده رویدادهایی است که آدمیان، برای بازشناسی آنها به ذهن خویش بازمی‌گردند و برایشان راز و رمزهایی قائل می‌شوند که نمی‌توان آنها را، برای ذهن همگان تأثیرگذار دانست.

منابع

۱. احمدی، بابک. ۱۳۷۵. از نشانه‌های تصویری تا متن: به‌سوی نشانه‌شناسی ارتباط دیداری. تهران: مرکز.
۲. استیرلن، هانری. ۱۳۷۷. اصفهان تصویری از بهشت؛ با مقدمه‌ای از هانری کربن. ترجمه جمشید ارجمند. تهران: تندیس نقره‌ای.
۳. امامی کوپائی، سمانه و نوروزبrazجانی، ویدا و صافیان محمدجواد. ۱۳۹۷. پدیدارشناسی؛ پاسخی به مسئله روش در فهم چپستی معماری (پیشامردن سنتی). باغ نظر ۱۵ (۶۵): ۲۴-۱۳.
۴. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۸۹. هنر مقدس، اصول و روش‌ها. ترجمه‌ی جلال ستاری. تهران: سروش، انتشارات صداوسیما.
۵. پالاسما، یوهانی. ۱۳۸۸. چشمان پوست؛ معماری ادراکات حسی. ترجمه‌ی رامین قدس. تهران: گنج هنر، پرهام نقش.
۶. پناهی، سیامک. ۱۳۹۷. معماری و سینمای معناگرا: بازخوانی تأثیر فضاهای معماری در تجلی معما در سینمای معناگرا. تهران: عصر کنکاش.
۷. پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸. سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
۸. تسومتور، پتر. ۱۳۹۴. رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه‌ی پتر زومتور. ترجمه‌ی مرتضی نیک‌فطرت و سیده صدیقه میر گذار لنگرودی. تهران: علم معمار رویال.
۹. جورگولا، رومالدو. ۱۳۷۷. تحلیل آثار، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های فلسفی لویی کان. ترجمه‌ی عبدالله جبل‌عاملی. اصفهان: خاک.
۱۰. حکمت‌مهر، محمدمهدی. ۱۳۹۰. بررسی و نقد دوگانه انگاری دکارتی. ذهن ۱۲(۴۵): ۱۷-۱۹۹.
۱۱. دیباج، سید موسی. ۱۳۸۲. شعر و خانه ما: تحقیقی در معماری و ادب معاصر. تهران: پیوند نو.
۱۲. ذکایی، محمد سعید. ۱۳۸۷. روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال نگارانه. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ۸(۱): ۶۹-۹۸.
۱۳. رلف، ادوارد. ۱۳۸۹. مکان و بیمکانی. ترجمه‌ی محمدرضا نقصان‌محمدی، کاظم مندگاری، و زهیر متکی. تهران: آرمانشهر.
۱۴. سپهری، سهراب. ۱۳۸۲. اطاق آبی، به کوشش پروانه سپهری. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
۱۵. سرمدی، صدف، آزاده شاهچراغی، و لیال کریمی‌فرد. ۱۳۹۹. فرایند ادراک منظر بر پایه ادراکات حسی و عقلی. باغ نظر ۱۷ (۸۸): ۳۸-۲۷.
۱۶. شایگان، داریوش. ۱۳۷۲. در جستجوی فضاهای گمشده. نامه فرهنگ ۳(۱): ۱۴۹-۱۴۱.





۱۷. _____ . ۱۳۹۶. افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. ترجمه‌ی فاطمه ولیانی. تهران: نشر و پژوهش فرزنان‌روز.
۱۸. _____ . ۱۳۹۷. فانوس جادویی زمان؛ نگاهی به رمان در جستجوی زمان از دست رفته اثر مارسل پروست. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۹. شریعتی، علی. ۱۳۳۲. کویر. خراسان: نشر فرهنگ و هنر خراسان، چاپخانه طوس.
۲۰. شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۳۸۲. گزینه‌ای از: معماری، مکان و معنا. ترجمه‌ی ویدا نوروز برازجانی. تهران: جان و جهان.
۲۱. _____ . ۱۳۹۵. مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی. ترجمه‌ی محمود امیر یار احمدی. تهران: آگه.
۲۲. _____ . ۱۳۹۷. وجود، فضا و معماری. ترجمه‌ی ویدا نوروز برازجانی. تهران: پرهام نقش.
۲۳. صارمی، علی‌اکبر. ۱۳۸۹. تار و پود و هنوز ... سرگذشت من و معماری ما. تهران: انتشارات هنر معماری غرب.
۲۴. طاهری، جعفر. ۱۳۹۲. بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری. مطالعات معماری ایران ۲ (۴): ۵-۲۲.
۲۵. کرین، هانری. ۱۳۹۰. اسلام در سرزمین ایران: سهروردی و افلاطونیان ایران. ترجمه‌ی رضا کوهکن. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۶. موریه، جیمز جاستی. ۱۳۸۶. سفرنامه جیمز موریه، سفر یک: از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه ۱۸۰۸-۱۸۰۹ میلادی. ترجمه‌ی ابولقاسم سرّی. تهران: توس.
۲۷. نجیب‌زاده، آویده، و حسین اسکندری. ۱۳۹۶. تحلیل روایت: روش‌های نو در تجزیه و تحلیل داده‌ی روایی. فصلنامه‌ی اندازه‌گیری تربیتی ۸ (۳۰): ۱۰۸-۱۳۳.
۲۸. ندیمی، حمید، سمیه شریف‌زاده، و زکیه السادات طباطبایی لطفی. ۱۳۹۸. نقش‌آفرینی تفکر روایت محور و فرصت‌های آن در کارگاه‌های آموزش طراحی معماری. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۲۴ (۱): ۸۵-۱۰۰.

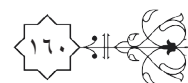
References

- Ahmadi, Babak. 1996. From Pictorial Signs to the Text: Toward the Semiotics of Visual Communication. Tehran: Markaz.
- Bogdan, R. 1974. Being Different: The Autobiography of Jane Fry. New York: John Willey and Sons.
- Bollnow, O. F. 1963. Mensch und Raum. Stuttgart: W. Kohlhammer.
- Bragdon Gilley, A. 2010. Drawing, Writing, Embodying: John Hejduk's Masques of Architecture. Virginia: Dissertation Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Architecture Design and Research.
- Burckhardt, Titus. 2010. Principles and METHODS of SACRED ART. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Soroush.
- Corbin, Henry. 2011. In Iranian Islam, Sohrawardī and the Platonists of Persia: Spiritual and Philosophical Aspects. Tehran: Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy.
- Dibadj, Musa. 2003. Our Poetry and Home: A Study in Contemporary Architecture and Literature. Tehran: Peyvand-e No.
- Emami Koupaeil, S., V. Norouz Borazjani, and M. J. Safian. 2018. Phenomenology: A Methodology for Understanding Traditional Architecture. Bagh-e-Nazar 15(65): 15-28.
- Genette, G. 1966. Proust Palimpseste, in Figures. Paris: Seuil.
- Giurgola, Romaldo. 1998. Louis I. Kahn. Translated by Abdullah Jabal al-Ameli. Isfahan: Khak.
- Gombrich. E. H. 1964. Moment and Movement. Journal of Warburg and Courtauld Institute (27): 293-306.
- Hekmatmehr, Mohammad Mahdi. 2011. A Review and Critique of Cartesian Dualism. Zehn 12 (45): 17-199.
- Kaufman, S.R. 1994. In-depth interviewing. In J. F. Gubrium & A. Sankar (Eds.), Qualitative



- Methods in Aging Research. Thousand Oaks, CA: Sage. pp. 123-136.
14. Kindt, T. & Müller, H. H. 2003. What Is Narratology? Questions and Answers Regarding the Status of a Theory. Contributions to Narrative Theory, 1. Berlin/New York: Published by De Gruyter.
 15. Marcus, Clare Cooper. 1974. The House as Symbol of Self. Stroudsburg, Berkeley: Pa: Dowden, Hutchinson and Ross, University of California, Institute of Urban and Regional Development.
 16. _____. 1995. House as Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home. Berkeley, CA: Conari Press.
 17. McAdams, Dan. P, Kate C. McLean. 2013. Narrative identity. Current Directions in Psychological Science 22 (3), Available at: <https://doi.org/10.1177/0963721413475622>
 18. Morier, James Justinian. 2007. A Journey through Persia, Armenia, and etc. Translated by Abolghasem Sri. Tehran: Toos Publications.
 19. Nadimi, Hamid, Somayyeh Sharifzadeh, and Zakiyeh Tabatabaei. 2019. The Roles of Narrative Thinking and its Potentials for Architecture Education at Design Studios, Honar-Ha-Ye- Ziba Memari-va- ShahrSazi 24(1): 85-100.
 20. Najibzadeh, Avidah, Hossein Eskandari. 2017. New Methods in Narrative Data Analysis. Journal of Educational Measurement 8 (30): 108-133.
 21. Norberg-Schulz, Christian. 2003. Architecture: Meaning and Place. Translated by Vida Norouz Borazjani. Tehran: Jan-o Jahan.
 22. _____. 2016. The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture. Translated by M. Amir Yarahmadi. Tehran: Agah.
 23. _____. 2018. Existence, Space and Architecture. Translated by Vida Norouz Borazjani. Tehran: Parham-e Naghsh.
 24. Pallamaa, Juhani. 2009. The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses. Translated by Ramin Ghods. Tehran: Parham-e Naghsh.
 25. Panahi, Siamak. 2018. Architecture and Spiritual Cinema. Tehran. Asr-e Kankash.
 26. Polak, Jakob Eduard. 1989. Pollack Travelogue: Iran and Iranians. Translated by Kikavous Jahandari. Tehran: Kharazmi.
 27. Relph, E.C. 2010. Place and Placelessness. Translated by Mohammad Reza Naqsan Mohammadi, Kazem Mandgari, Zuhair Mottaki. Tehran: Armanshahr.
 28. Ricoeur, P. 1984. Time and Narrative. Translated by K. McLaughlin & D. Chicago: University of Chicago Press.
 29. Saremi, Ali -Akbar. 2010. Weaving in and out and STILL.... Tehran: Honar-e Memari.
 30. Sarmadi, Sadaf, Azade Shahcheraghi, and liyal Karimifard. 2020. Perceiving Landscape Process based on Sensory and Intellectual Perceptions. Bagh-e Nazar 17(88): 31-44.
 31. Schmid, W. 2010. Narratology, an Introduction. Translated from German by Alexander Starritt. Berlin and New York: De Gruyter.
 32. Sepehri, Sohrab. 2003. Blue Room; By the Efforts of Parvaneh Sepehri. Tehran: Negah.
 33. Shariati, Ali. 19??, Desert. Khorasan: Khorasan Culture and Art Publication, Toos.
 34. Shayegan, Dariush. 1993. In Lost Spaces. Name-ye Farhang 3(1): 149-141.
 35. _____. 2017. The New Enchantment; Multifaceted Identity and Mobile Thought. Translated by Fatemeh Valiani. Tehran: Farzan-e-Rooz.
 36. _____. 2018. The Magic Lantern of Time: Take a Look at Marcel Proust's Novel. Tehran: Farhang-e Moaser.
 37. Sterlin, Henri. 1998. Ispahan: Image of Paradise, Pref. par Henri Corbin. Translated by Jamshid





Journal of Research in Islamic Architecture / No.33 / Winter1400

**Interpreting the Role of Iranian Introverted Houses Architecture
based on Mental Perspective in the Narrative of Life
(Emphasis on the Resurrection of Memory and Mobius Theory)**

Maryam Akbari*

PhD Student in Architecture, Department of Architecture, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Behbahani**

Assistant Professor, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic
Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Homa Irani Behbahani***

Full Professor, Department of Environmental Design, Faculty of Environment,
University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 2/8/2021

Accepted: 27/12/2020

Abstract

Reading the narrative of life with emphasis on the resurrection of memory is a way to understand the architecture of the past from the perspective of the mind. The research aimed to investigate the architecture of Iranian introverted houses by adapting the design of mentality and Mobius theory. The nature of the Mobius strip is to have layers that are as interconnected as the layers of the mind and travel inward and outward at the same time. The main question of the research emphasizes on the essence and existence of the building and how to interpret architecture based on the design of mentality. The purpose of presenting the methodology of understanding the nature of the architecture of the house is to face the deepest layers of existence. The qualitative strategy of this research, in an exploratory-interpretive method, seeks «In-Between Reality» in the empty space of the house and its role in arousing the hidden layers of the mind and interprets the type of inner and outer look by reading the life narrative. Using the method of qualitative interpretation of the narrative, relying on phenomenological perspectives and lived experience has interpreted the meaning of architecture with the theme of sense of place. This kind of interpreting, instead of physical relations, emphasizes the structure of life in architecture and makes the subject of mentality the basis of cognition. The research findings provide a way to interpret the architecture of introverted houses from the point of the mind, in which cognition occurs through a passage that passes through the self as the Mobius phenomenon. Therefore, the interpretation of the mind and structure of life in architecture is possible through «epistemology of the concept of home», «discovery of the inner state of the inhabitants» and «transition to another level of existence». The end of this path is where one gains knowledge of the inner world or the «phenomenon of the mirror.» Guiding the path of mentality from inside to inside, will lead to increasing human ability to recognize phenomena, overturn perspectives and look at the world from the perspective of the existence of the inner world and return to the roots of oneself.

Key words: House, Mental Perspective, Narrations, Mobius, Inward-Outward.

* makbari193@gmail.com

**rezabehbahani@yahoo.com

***hirani@ut.ac.ir